



نگاهی به سند قنات جعفرآباد سلطانیه

سارا علی لو^۱

چکیده:

وقف یکی از راه‌های تبدیل مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی است. با توجه به ماهیت وقف، حکومت‌ها هیچگاه نمی‌توانستند در امور اموال منقول و غیرمنقول وقفی دخالت کنند. از طرف دیگر رشد و گسترش وقف با شدت و ضعف دولت‌های مرکزی در ارتباط بوده است چنانچه ما در دوره‌ی قاجار در منطقه‌ی خمسه با گسترش وقف روبرو هستیم که خود می‌تواند علاوه بر مسائل مذهبی و اعتقادی، بازتابی از وضعیت نابسامان دولت قاجاری باشد که دولتمردان و کارگزاران آن با هر بهانه‌ای درصدد ضبط اموال خرده مالکان و تبدیل آنها به اموال خالصه بودند بخصوص اینکه سلطانیه در این دوره محل اطراق تابستانی اردوی شاهی و دربار قاجار بوده است. در این نوشتار به سند وقفی قنات جعفرآباد سلطانیه که بیان‌کننده‌ی وضعیت اراضی و آب کشاورزی در این دوره است پرداخته‌ام.

۱. کارشناس اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان زنجان و دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تهران
Saraalilo064@yahoo.com



واژگان کلیدی:

قاجار، وقف، سلطانیه، قنات جعفرآباد.

مقدمه

وقف یکی از راه‌های تبدیل ثروت شخصی به ثروت عمومی و استفاده از آن در راه‌هایی است که باری و مشکلی از جامعه را حل کند. بخصوص در گذشته که ثروت فقط در دست عده‌ی خاصی بوده و اکثریت مردم از این مواهب برخوردار نبودند برخی از افراد که منابعی را در اختیار داشتند با وقف آن زمینه‌ای را به وجود می‌آوردند که علاوه بر حفظ آن، دست متعدیان حکومتی را از این منابع که شامل آب و زمین می‌شد قطع می‌کردند و بخشی از منافع آن را متوجه عامه‌ی مردم و اغلب برپاداری آئین‌های مذهبی می‌کردند.

در دوره‌ی قاجار که ایران همواره محل رقابت قدرت‌های استعماری و استثمارگر آن روز بود و در بسیاری از موارد نیز حکومتیان خود عوامل بیگانه به شمار می‌رفتند مالکان و خرده مالکان که عموماً صاحب روستاها و قنات‌ها و منابع ثروت بودند سعی داشتند تا با وقف این منابع علاوه بر جلوگیری از مصادره‌ی منابع خود (یعنی زمین و آب) بخشی از آن را برای آئین‌ها و مراسم مذهبی صرف کنند. این مسئله یعنی وقف زمین و منابع آبی قنات‌ها در دوره‌ی قاجار منعکس‌کننده‌ی اوضاع بغرنج اجتماعی و سیاسی جامعه نیز می‌باشد زیرا حاکمان بجای تلاش در حل و گشایش مشکلات معیشتی مردم در هر فرصتی سعی در چپاول و غارت منابعی داشتند که در اختیار افراد و صاحبان منابع قرار داشت. افراد نیز با استفاده از پدیده‌ی حسنه‌ی وقف که ریشه در تاریخ کهن این سرزمین داشته علاوه بر حفظ تولید خود بر این منابع بخشی از آن را در راه‌های عام المنفعه به مصرف می‌رساندند (بنگرید به شمیم ۲۷۵: ۱۳۷۱-۳۷۷).

دولت قاجار بر آمده از سیستمی ایلیاتی بوده و از راه غلبه و ستیز به حکومت رسیده بودند و اصولاً از دنیای آن روز و تحولات آن و پیشرفت‌هایی که در زمینه‌ی علوم و فنون و صنایع صورت گرفته بود هیچگونه اطلاعی نداشتند. هرچند برخی از این شاهان با مسافرت‌های پرهزینه به فرنگ خود بارها این تحولات و پیشرفت‌ها را از نزدیک دیده بودند ولی از آنجا که این پیشرفت‌ها و تحولات اجتماعی را تهدیدی برای سلطنت مطلقه‌ی خود می‌دانستند به هر نحوی درصدد جلوگیری از ورود آن و مانع ارتباطات مردم با دنیای خارج بودند. بنابراین در این دوره زمین و آب مانند سایر



ادوار تاریخ ایران منشاء اصلی ثروت و تولید در جامعه به شمار می‌رفت. افراد ذی نفوذ حکومتی همواره و به هر نحوی از انحاء سعی داشتند تا این منابع را به نفع خود ضبط کنند. یکی از این راه‌ها بستن مالیات‌های سنگین بر این منابع بود. این موضوع در این دوره در بسیاری از مناطق سبب خالی شدن روستاها از سکنه و فرار دسته جمعی آنها به کوه‌ها و مناطق دیگر شده بود. در مقابل صاحبان زمین که عبارت بودند از مالکان روستایی و خرده مالکین با وقف کامل یا بخشی از زمین تحت مالکیت خود نه تنها آن زمین‌ها را از هر نوع تعرضی مصون می‌کردند بلکه سبب می‌شدند که تولیدات کشاورزی همچنان در روستاها صورت بگیرد و بخشی از آن در راه کارهای خیر و عام المنفعه مصرف شود(همان).

منطقه‌ی سلطانیه‌ی زنجان که دارای زمین‌های مرغوب کشاورزی و آب و هوای مناسب جهت کشت و کار بود یکی از این مناطق بود که مورد توجه بسیاری از افراد خاندان شاهی قرار گرفته بود و علاوه بر این بیلاق و اردوگاه تابستانی شاه قاجار به شمار می‌رفت و کاخ‌های تابستانی چندی برای فرار از گرمای تابستان تهران در این منطقه ساخته بودند و بسیاری از ملاقات‌ها با کارداران، سفراء، بازرگانان و تصمیمات مهم نظامی و مملکتی در این منطقه گرفته می‌شد که این خود نشان‌دهنده‌ی اهمیت وقف در این منطقه برای حفظ و صیانت از حقوق افراد و عامه مردم است. از آنجا که این سند در سال ۱۳۱۰ ق. که مصادف است با اواخر دوره‌ی سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تنظیم شده لذا در اینجا علاوه بر وضعیت جغرافیایی سلطانیه در استان زنجان، به وضعیت زمین‌ها و قنوات سلطانیه در این ایام می‌پردازم. در ادامه به سند وقفی قنات جعفر آباد - که در دوره‌ی ناصرالدین شاه و زمان کتابت این سند یعنی سال ۱۳۱۰ قمری قناتی شناخته شده بوده است و البته امروزه دیگر قناتی به این نام وجود ندارد و از آنجا که حد و حدود آن به دقت نوشته نشده نمی‌توان محل دقیق آن را تخمین زد - می‌پردازم و از آنجا که این سند توسط تعدادی از بزرگان و علمای شناخته‌شده‌ی سلطانیه ممه‌ور شده و در متن آن نیز از آیه‌ها و لغات عربی بهره برده شده است، به توضیح و تفسیر آنها، پرداخته و سپس اشخاصی که نامشان در این سند به عنوان واقف و شاهد ذکر شده است را معرفی خواهم کرد.

تعریف قنات

درباره ریشه‌ی "قنات" در میان لغت‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. برخی این واژه



را در اصل واژه‌ای فارسی می‌دانند. آنها لغت قنات را مأخوذ از لغت "کنه" به معنای کندن می‌دانند. در ایران و سایر کشورهای اسلامی جهان، برای قنات بیش از ۲۷ اسم وجود دارد؛ یا به عبارت دیگر، برای نامیدن این نوع شیوه استحصال آب، ۲۷ اصطلاح به کار برده شده است. این اسامی در جنوب غربی آسیا عبارتند از: قونات، کانات، قنات، کاریز، کهریز، کارزسو ... همه این نام‌ها به تونل‌هایی افقی گفته می‌شود که در مخروط افکنه‌ها، آب زیرزمینی را می‌کشد و بدون پمپ و وسیله‌ی دیگری آن را به سطح زمین آورده، قابل استفاده می‌کند (پاپلی و لباف خانیکی ۱۳۸۳).

قنات مرکب از چاه‌ها (میله‌ها) و مجراهای افقی (کوره‌ها) است. در زمین‌هایی که به اندازه‌ی کافی شیب‌دار باشند کوره‌ها را از سطح خاک یا زمین حفر می‌کنند. در پایین دست، در محلی که برای استفاده از آب در آینده مناسب تشخیص داده می‌شود، کوره را در زیرزمین می‌کنند تا به سفره‌ی آبدار برسند. به منظور تسهیل خروج آب به اتکای نیروی جاذبه و بدون بهره‌گیری از ابزارهای مکانیکی، کوره با شیب خفیفی از بالا دست رو به پایین کنده می‌شود. تجربه نشان داده که شیب باید به طور متوسط ۵/۰ درصد باشد، تا آب جریان یابد، به گونه‌ای که شدت آب بستر کوره را نشوید و از بین نبرد. به این ترتیب، اندام اصلی قنات را کوره‌ی آن تشکیل می‌دهد. میله‌ها که کوره‌ها را به سطح زمین می‌پیوندند، عناصر ثانوی بسیار مفیدی هستند، اما در بهره‌برداری از قنات نقشی ندارند. در نهایت، قنات سازه‌ای جز مجرای افقی نیست (مجبی ۱۳۸۳:۱۱۶).

جغرافیا و وضعیت تاریخی سلطانیه

بخش سلطانیه با وسعتی حدود ۱۵۶ هکتار در ناحیه مرکزی متمایل به غرب استان زنجان، ۴۸ درجه و ۴۸ دقیقه طول شرقی جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی جغرافیایی با ارتفاع ۱۸۸۰ متر از سطح دریا در ۴۰ کیلومتری جنوب خاوری استان زنجان قرار گرفته است و کوه‌های یان بلاغ و آغ داغ در شمال و جنوب آن واقع‌اند.

وجود چمن سلطانیه، قرار گرفتن کوه‌های اطراف و ارتفاع مکانی، منطقه را در ردیف نواحی بادخیز قرار داده است و سبب شده تا سلطانیه دارای آب و هوای نسبتاً معتدل مایل به سرد و خشک باشد. بیشترین درجه‌ی حرارت در تابستان‌ها ۲۸ درجه بالای صفر و کمترین آن در زمستان به ۱۵ درجه



زیر صفر می‌رسد و میانگین آن ۱۱/۱ سانتیگراد است.

حداکثر میزان بارندگی در سال ۳۵۰ میلیمتر است. بارش و نزولات جوی در سلطانیه که متأثر از آب و هوای استان است تابع دو باد معروف به "مه" و "شَرَه" است که به ترتیب از شمال به جنوب و از جنوب غرب به شمال شرق حرکت می‌کنند (تار نمای فرمانداری سلطانیه).

سرزمین فعلی سلطانیه که مغولان آن را قنقور اولنگ (شکارگاه شاهین) نامیدند، مابین دو رود زنجان رود و ابهر رود قرار دارد و دارای چمن بسیار وسیع همراه با آب فراوان است. مغول‌ها از چمن آن به عنوان مرتع برای احشام خود استفاده می‌کردند و غالباً ایلخانان و سرداران مغول در عبور از عراق به آذربایجان یا بالعکس در آن اقامت می‌کردند.

اولجایتو در سال‌های اول حکومت در این ناحیه که بر سر راه عراق عجم و گیلان قرار داشت و دارای چمنزارهای سبز و خرم بود به یاد چمنزار، سبزه‌زارها و دشت‌های وسیع مغولستان، شهری وسیع و مهم ساخت که به سلطانیه معروف گردید و از آن پس پایتخت از تبریز به سلطانیه منتقل شد که نه تنها در دوران حکومت ایلخانی بلکه تا عهد صفوی و تا حدودی دوره‌ی قاجار از عمده‌ترین مراکز سیاسی، تجاری و صنعتی آن زمان محسوب می‌شد و رونق و شکوفایی بسیار داشت.

در سال ۷۰۲ هجری سلطان محمد خدابنده وارد سلطانیه شد و دستور داد تا به تقلید از غازان خان آرامگاهی برای وی درست کنند. بدین منظور در وسط شهر ارگ بزرگی ایجاد شد که در میان آن بنای آرامگاه سلطان قرار داشت. در میان محوطه‌ی آن گنبدی با هشت مناره بر پا گردید و در اطراف مقبره ابواب البر، چون مسجد جامع که در ساختمان‌های آن سنگ‌ها و کاشی‌های باشکوهی بکار رفته بود، خانقاه و مدرسه به ترتیب مستنصریه بغداد، دارالسیاده، دارالضیافه و دارالشفاء بنا گردید.

دورادور سلطانیه به امر اولجایتو بارویی مربع شکل ساختند که طول آن سی هزار قدم می‌شد و ضخامت دیوارهای آن به اندازه‌ای بزرگ بود که چهار سوار پهلوی یکدیگر می‌توانستند روی آن حرکت کنند. و در وسط آن اولجایتو قلعه‌ی بزرگی ساخت که از جهت عظمت به اندازه شهر بود و در وسط آن گنبدی جهت مقبره‌ی خود بنا کرد که همان بنای معروف گنبد شاه خدابنده است که بعد از مرگ سلطان وی را در آنجا دفن کردند و این بنا از مهمترین ابنیه و از نمونه‌های عالی معماری عهد مغول به شمار می‌آید (مخلصی ۱۳۷۸).



در ساختن پایتخت جدید امرا و وزرای سلطان محمد خدابنده هر کدام به سهم خود شرکت نمودند. از آن جمله خواجه رشید الدین یک محله‌ی تمام از سلطانیه را که مشتمل بر هزار خانه بود به انضمام مدرسه، دارالشفاء و خانقاهی به خرج خود بنا نمود. سلطان پس از احداث پایتخت جدید جمعیتی از پیشه‌وران و اهل حرف و صنایع را از تبریز به آنجا آورد تا در آنجا به ترویج صنایع مشغول باشند. این مهاجرین به همراه خانواده‌های خود به سلطانیه آمده و در آنجا ساکن شدند. سلطان به قدری در رونق سلطانیه کوشید که در اندک زمانی این شهر بزرگترین شهر ممالک ایلخانی گردید.

قنات‌های سلطانیه

در مورد تاریخچه‌ی قنات‌های سلطانیه اطلاع خاصی در دست نیست اما با نگاهی به وضعیت آب و هوایی سلطانیه به نظر می‌رسد به گذشته‌های دور بر می‌گردد. در دوره‌ای که سلطانیه به عنوان یک مرکز شهری و فرهنگی و پایتخت سیاسی انتخاب شد و پذیرای جمعیت زیادی از اطراف و اکناف کشور بود برای تامین آب شرب مورد نیاز و کشاورزی ایجاد قنات‌ها رشد زیادی یافته که تعداد زیاد قنات‌هایی که تا سده‌ی گذشته همچنان مورد استفاده و بهره‌برداری بوده‌اند خود موید این مطلب هست. در زمان تیموریان سلطانیه شهری بزرگ و دارای بازاری پر رونق بوده چنانچه کلاویخو ضمن شرح کالاهای بازار نوشته: سلطانیه در دشت است و در میان آن کانال‌های بسیار پر آبی می‌گذرد (کلاویخو ۱۳۷۴: ۱۶۷-۱۷۰). ادیب الملک در سال ۱۲۷۵ قمری در سفرنامه‌ی خود به وجود ششصد قنات در این منطقه اشاره کرده است (ادیب الملک ۱۳۶۴). میرزا علی سررشته دار نیز به وجود ۳۶۰ قنات در دوره‌ی اولجایتو اشاره کرده است هرچند در زمان ناصری که وی برای ثبت املاک به این منطقه آمده بود از ۴۰ رشته قنات قابل استفاده نام برده است.

در سلطانیه بر خلاف املاک خالصه که در تصرف دولت قرار داشتند مالکیت قنات‌ها به اشخاص تعلق داشته است. گاهی مالکیت قناتی به دو نفر تعلق داشته است و به صورت دانگی بوده است (بنگرید به متن سند).

قنات‌های سلطانیه که چند دهه‌ی پیش همچنان مورد استفاده بودند عبارتند از: میدان، گرزان، بالا کهریز، دارالشفاء، آقا هاشم کهریزی، دلقندی، قم لاج، بستان دره، آخوند کهریزی، نصیر کهریزی، دستوران، امامزاده کهریزی، زیر آباد، بهرام آباد، قانلی بلاغ، جلوخانا، دروازه، سو کهریزان، آما آباد،



دولت آباد، بوش لی، خورما آباد، ولی کهریزی، تازه کهریز، سعید آباد، علی آباد، وردجهان، کوره چشمه. اینها مهمترین قنات‌های سلطانیه هستند که تا به امروز هنوز برپای هستند. بسیاری از قنات‌ها احتمالاً در جریان تحولات تاریخی و حوادث طبیعی مانند سیل‌های ویرانگر که در گذشته بارها و بارها در این منطقه اتفاق افتاده تخریب و یا دچار ویرانی شده‌اند و نیز در گذر زمان اسامی آنها با توجه به تغییر مالکیت آنها تغییر کرده است که اطلاعی از آنها در دست نیست.

سند قنات جعفرآباد سلطانیه

هو الواقف

علی السرائر

بسم الله تعالی شانه العزیز

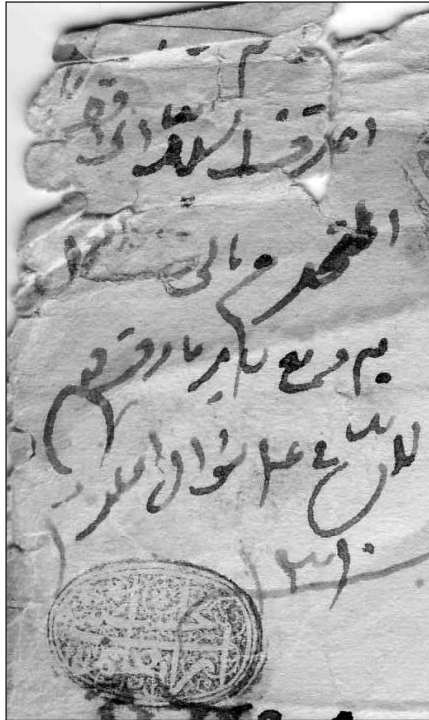
غرض از نگارش این کلمات شرعیّه الدلالت آنکه در حال تحریر وقف موبد شرعی و حبس مّخلد ملی نمود عالیجناب سیادت انتساب آقا میرعبدالباقی خلف علین آرامگاه آقا میر آقا بابا سلطانیّه تمامی و همگی مساحت نیم دانگ ملک از جمله پنج دانگ قنات جعفرآباد با کافه توابع و لواحق بجناب خامس آل عبا حضرت سید الشهداء(ص ع) و اولاد آن بزرگوار و اصحاب اش (ص ع) با این نحو منافع مساحت موقوفه را بعد از وضع مخارج در تعزیه داری آنحضرت مصروف دارند و تولیت اش مادام الحیوای(حیات) با خود واقف است و بعد الحیوای(حیات) موقوف بولد خود جناب سلاله السادات العظام آقاسید عباس با اطلاع ولد دیگر عالیجناب آقا سید عبدالله صرف نماید. بعد از وفات آقا سید عباس با اولاد ذکور اوست بطناً بعد بطن و نسلّاً بعد نسل، نعوذاً بالله اگر منقرض شود با اعلم علماء بلده سلطانیّه الی ان یرث الله الارض لمن یشاء و ثواب او را اولاد موقوف بخودش و بعد بروح والدش آقا میر بابا مرحوم و والده اش فاطمه نساء خانم نمود. فَمَنْ بَدَلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ. صیغه وقف علی زهیج مذکور جاریگردید و عمل بوقف نیز شده و کان وقوع ذالک فی بیست و دویم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۰



تصویر سند



قد امر واقف المعظم المسطور بوقف المرضی المال فی التاریخ - اثر مهر یاعلی -



اعترف السيد الواقف المحترم بالوقف و العمل به و مع ساير ما... لدى في ۴ شوال المكرم سنه ۱۳۱۰ - اثر مهر ابراهيم الحسيني - آقای واقف محترم به وقف و عمل آن و ساير آنچه در آن است اعتراف کرد (آگاه است) نزد من - در ۴ شوال المكرم سال ۱۳۱۰ قمری



”لاخلاف فیه“ عبد خلیل سنه ۱۳۰۶- در آن اشتباهی نیست



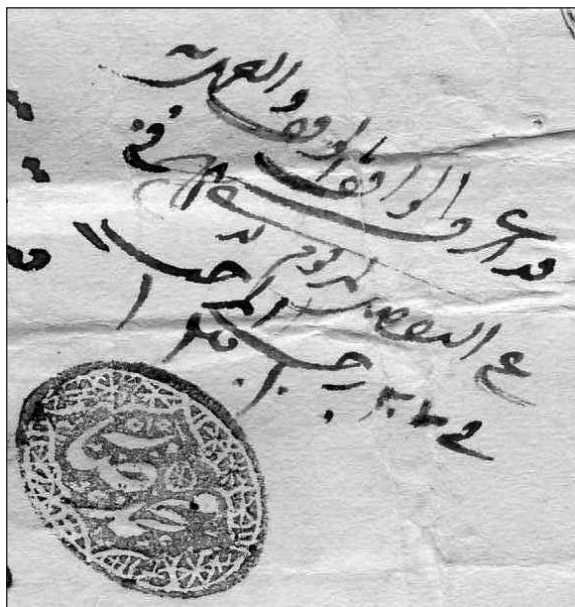
”صح ما سطر فیه لدی، سنه ۱۳۱۰“ اثر مهر “عبد الکریم ابن الہی“ درست است آنچه نوشته شده در آن نزد من. سال ۱۳۱۰ قمری



۱- بخش از نوشته از بین رفته ".... هدی للمتقین. اثر مهر "العبد بن احمد.. حسینی؟"
.....هدایت کننده پرهیزگاران است



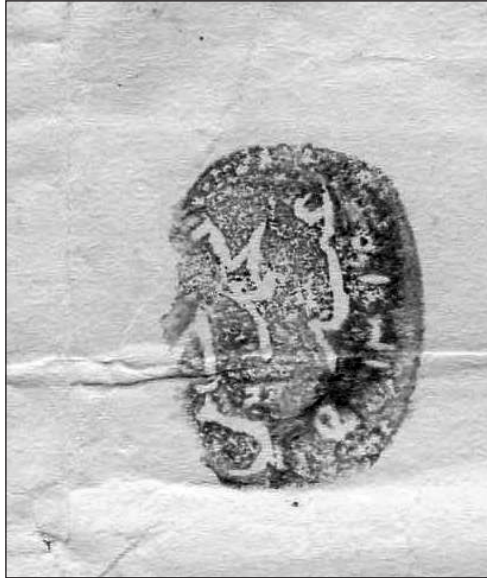
قد وقعت صیغه الوقف و عمل بالوقف لدی فی یوم ۲۰ شهر رجب المرجب ۱۳۱۰ - اثر مهر
عبدالرحیم / صیغه وقف و عمل به وقف نزد من واقع گردید در روز ۲۰ ماه رجب المرجب
۱۳۱۰ قمری /



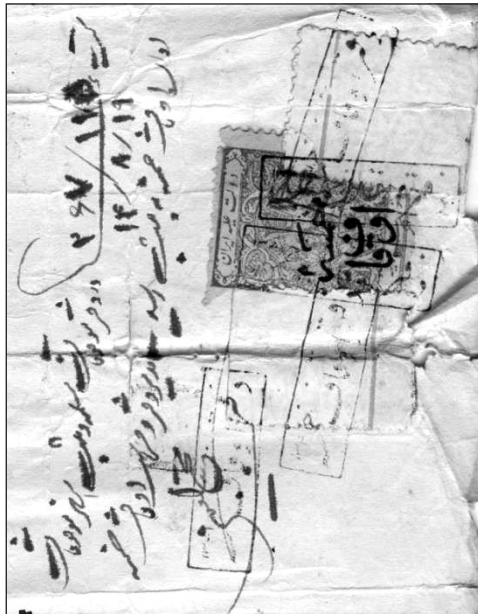
”قد اعترف الواقف بالوقف و العمل به علی التفصیل المرقوم لدی فی یوم ۲۷ رجب المرجب
 ۱۳۱۰-“ اثر مهر ”محمد رضا“
 وقف کننده به وقف و عمل به آن طبق تفصیل نوشته در متن، نزد من معترف گردید در
 روز ۲۷ رجب المرجب سال ۱۳۱۰ قمری



بخشی از اثر مهر - ۱۲۹۹



اثر مهر عبده محمد حسین ۱۳۱۰



ورود سند به دفتر اوقاف خمسه و تمبر آن اداره



موضوع و خلاصه سند

موضوع سند مربوط به وقف پنج دانگ از قنات جعفر آباد سلطانیه و زمین ها و لواحق آن در سال ۱۳۱۰ قمری توسط شخصی بنام سید امیر عبدالباقی فرزند میرآقا بابا سلطانیه ای است که این قنات با زمین های مربوط به آن را برای همیشه با حفظ سرپرستی آن وقف کرده تا از منافع برای برپاداشتن مراسم تعزیه سید الشهداء استفاده کنند و بعد از خودش سرپرستی آن را به فرزند بزرگش با اطلاع فرزند دیگرش واگذار کرده است. در پایان این سند اجر معنوی این وقف را به خودش و به روح پدر و مادرش (فاطمه نساء) اهداء کرده است.

توضیح برخی اصطلاحات و ترجمه آیات سند

در این سند واژه الحیاه به صورت الحیواه و آرامگاه بصورت آرامگاه آمده است و کاف و گاف به یک صورت کاف(ک) نوشته شده است.

وقف مخلد و موبد، به معنی وقف کردن اموال برای همیشه.

(مدنی - وقف) حبسی که مدت دائم برای آن معین شده باشد و در واقع قسمی از حق انتفاع است که مدت آن دائم است و آن مانند وقف است و مادام که عین باقی است از منافع آن بهره برده می شود (ماده سوم قانون اوقاف <http://rc.majlis.ir/fa/law/show> /۹۲۸۳۰).

إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ (سوره اعراف آیه ۱۲۸)

زمین ملک خداست، آن را به هر کس از بندگان خود خواهد به میراث دهد
فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (سوره بقره آیه ۱۸۱)
پس هر کس وصیت شخصی را بعد از آنکه شنید تغییر دهد گنااهش به گردن همان کسی است که تغییر داده، همانا که خدا شنوا و داناست.



منابع:

- ادیب الملک، ۴۶۳۱، سفرنامه ادیب الملک به عتبات، تصحیح مسعود گلزاری، تهران، انتشارات دادجو
- قرآن مجید
- آرشیو سازمان اوقاف زنجان
- پاپلی یزدی، محمد حسین و لباف خانگی، مجید، ۳۸۳۱، قنات های تفت، تهران، انتشارات میراث فرهنگی.
- کلاویخو، روی گونزالس، ۴۷۳۱، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- شمیم، علی اصغر، ۱۷۳۱، ایران در دوره سلطنت قاجار قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری قمری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مخلص، محمدعلی، ۸۷۳۱، جغرافیای تاریخی سلطانیه، تهران، انتشارات گنجینه.
- محبی، پرویز، ۳۸۳۱، فنون و منابع در ایران، ترجمه ی آرام قریب، تهران، نشر اختران.

